[217] (1) خطبه آن حضرت بعد از غصب فدك روايت شده: هنگامى كه أبو بكر وعمر تصميم گرفتند فدك را از حضرت فاطمه (عليها السلام) بگيرند واين خبر به ايشان رسيد، لباس بتن كرده وچادر برسرنهاد، وباگروهى از زنان فاميل وخدمتكاران خود بسوى مسجد روانه شد، در حاليكه چادرش به زمين كشيده مى شد، وراه رفتن أو همانند راه رفتن پيامبر خدا بود، بر أبو بكر كه در ميان عده أي از مهاجرين وانصار وغير آنان نشسته بود وارد شد، در اين هنگام بين أو وديگران پرده أي آويختند، آنگاه ناله أي جانسوز از دل برآورد كه همه مردم بگريه افتادند ومجلس ومسجد بسختى به جنبش درآمد. سپس لحظه أي سكوت كرد تا همهمه مردم خاموش وگريه آنان ساكت شد وجوش وخروش ايشان آرام يافت، آنگاه كلامش را با حمد وثناى الهى آغاز فرمود ودرود بر رسول خدا فرستاد، در اينجا دوباره صداى گريه مردم برخاست، وقتى سكوت برقرار شد، كلام خويش را دنبال كرد وفرمود: حمد وسپاس خداى را برآنچه ارزانى داشت، وشكر أو را در آنچه الهام فرمود، وثنا وشكر براو برآنچه پيش فرستاد، از نعمتهاى فراوانى كه خلق فرمود وعطاياى گسترده أي كه اعطا كرد، ومنتهاى بى شمارى كه ارزانى داشت، كه شمارش از شمردن آنها عاجز، ونهايت آن از پاداش فراتر، ودامنه آن تا ابد از ادراك دورتر است، ومردمان را فراخواند، تا با شكرگذارى آنها نعمتها را زياده گرداند، وبا گستردگى آنها مردم را به سپاسگزارى خود متوجه ساخت، وبا دعوت نمودن به اين نعمتها آنها را دو چندان كرد. _____